

رضایت صاحب مجلس...

اشاره:

آن کلید این است: «خوب بنگرید وقتی که دیگران از شما جلو افتاده‌اند، خوشحال می‌شوید یا افسرده؟!». راز بزرگی در این احساس نهفته است. اگر شاد شدید و بجای آن فرد خدا را شکر کردید، مطمئن باشید همه وجودتان الهی شده است. اما اگر از موفقیت دیگران رنج می‌برید و دل‌تان می‌گیرد، باید نگران باشید. نگرانی هم دارد. شیطان با این وضوح در باطن‌مان لانه کرده است. او می‌تواند هر آن تصمیم ناشایست دیگری بجای ما بگیرد. گفتن ندارد، ولی همه می‌دانیم حب و بغض چه بلایی‌هایی که سر ما نمی‌آورد. غافل باشیم از ما موجود غیرقابل تحملی می‌سازد. موجودی که بندگان خدا از دست و زبان ما در امان نخواهند بود.

همیشه خیمه امام حسین علیه السلام خودجوش بپا شده است. هر کس به فرارخور ارادت و احوالات خودش یا پیش می‌نهد و دستی بر آتش می‌گیرد، اما ما یادمان می‌رود، کجا هستیم و برای چه کسی آستین بالا زده‌ایم. شأن مراسم عزاداری امام حسین علیه السلام به‌دور از این بازی‌های نفسانی است. اصلاً حیف است نفس بخواند این‌جا هم پایچ‌مان بشود و نزد ارباب سرافکنده‌مان کند. اما به‌قول قدیمی‌ها، دستگاه امام حسین علیه السلام، دستگاهی‌ست که چیزی در آن گم نمی‌شود. من نمی‌دانم چه کنم از دریای محبت امام مظلوم‌مان. در حیرتم با این همه کاستی‌ها در نیات، باز هم کسی دست‌خالی برنمی‌گردد!

در روایت مشهوری از معصوم نقل است: «شما را به عبادتی دعوت می‌کنم که با هر حالی وارد شوید از شما پذیرفته می‌شود. حتی اگر به نیت ریا هم وارد شوید، دست‌خالی برنخواهید گشت. آن عبادت، حضور در مجلس عزاداری جدّ مظلوم‌مان است». گستره محبت آقا اباعبدالله‌الحسین علیه السلام حدی ندارد. محبت حضرت آن قدر وسیع است که حتی در گودال قتلگاه نیز به فکر قاتل خود است. امام به شمر می‌فرمایند «من با این زخم‌ها جان خواهم سپرد. اما تو دستت را به خون من آغشته نکن و ننگ ابدی را برای خود نخر!»

در احادیث قدسی آمده است «اخلاص، سرّی‌ست از اسرار خداوند». خالص کردن عمل به این سادگی‌ها که تصوّر می‌کنیم نیست. خداوند می‌فرماید «اگر بنده‌ای یک عمل خالص خود را تا قیامت سالم برساند، من او را عذاب نخواهم کرد». لابد خواهید گفت هر کس در طول عمرش، این همه عمل نیک انجام می‌دهد! عبادات بسیار در پرونده خود دارد! حق با شماست، ولی هزاران اما وجود دارد که کار را خراب می‌کند و دست‌مان خالی می‌شود. اصحاب حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله خطاب به آن حضرت می‌گویند، چرا ما نمی‌توانیم عالم ملکوت را ببینیم. حضرت می‌فرماید: «شما هم

باید شکرگذار خداوند باشیم که به ما توفیق می‌دهد تا برای احیای قیام عاشورا قدمی برداریم. اما انگار قرار است این بنده کمترین، کاری انجام ندهد و فقط برای شما خوبان بنویسد.

عزیزان، وقتی موسم محرم می‌رسد، شما هم به حرمت عزای امام شهیدمان، رخت سیاه می‌پوشید. به هیئت‌های مذهبی می‌روید. روضه گوش می‌دهید و اشک می‌ریزد. شما عزادار هستید. اما چرا؟! اشک می‌ریزد تا قلب و روح‌تان زلال شود؟

«سی‌دی» نوحه گوش می‌دهید تا حال خوشی پیدا کنید؟

حتماً می‌دانید در دستگاه الهی چیزی گم نمی‌شود. شما این روزها ثواب بسیار در کارنامه خود ثبت خواهید کرد. اما خدا کند همه نیت ما این نباشد. حیف است عشق و دلدادگی‌مان به امام شهیدمان، فقط با این نیات باشد. «تو بندگی چون گدایان به شرط مزد مکن / که خواجه خود روش بنده‌نوازی داند».

این روزها همه امامان عزادارند. حضرت صاحب‌الامر، هر صبح و شام، برای جد مظلوم‌شان اشک می‌ریزند. ما هم عاشق امام مظلوم‌مان هستیم، دلیل اشک‌ها و دل‌محزون‌مان، ریشه در محبتی‌ست که در وجودمان موج می‌زند. از این عشق می‌سوزیم و می‌گیریم تا با همه وجود مصیبت‌های کربلا را لمس کرده باشیم. «احساس سوختن به تماشا نمی‌شود / آتش بگیر تا بدانی چه می‌کشم».

در زندگی عادی، برخی خصلت‌ها ملکه رفتارمان شده است. چشم و هم‌چشمی، همه توان ما را به‌خود مشغول کرده است. طوری که توان رهایی ذهن خود را از دست داده‌ایم. نمی‌توانیم بیهوده بودن رفتار تقلیدی و رقابتی خود را متوجه باشیم.

کافی‌ست بشنویم آشنایی برای منزل خود اسباب نویی خریده است. تا بهتر آن‌را برای منزل خود تهیه نکنیم، روح‌مان آسوده نمی‌شود!

بخدا حیف است انرژی و توان‌مان در سیطره شیطان گرفتار باشد. در این مواقع شکی نیست این شیطان است که برگردنه تصمیم‌های‌مان یک‌ه تازی می‌کند.

حتماً ریشه چشم و هم‌چشمی، به حسادت برمی‌گردد. انگار نیاموخته‌ایم که با موفقیت دیگران هم می‌شود شاد بود! مگر حتماً باید ما در صف اول باشیم؟! وقتی می‌شنویم فلان بازاری هر شب، ده دیگ غذا برای هیئت‌شان می‌زند، تن‌مان یخ می‌زند؛ چرا که عقب افتاده‌ایم...

با یک شاه‌کلید ساده می‌توانید دریابید که روح‌تان در سیطره شیطان است یا در سیطره شیطان نیست!

بازین پیشتر با خلق عالم

بازین پیشتر با خلق عالم

بازین پیشتر با خلق عالم

بازین پیشتر با خلق عالم

بازین پیشتر با خلق عالم

بازین پیشتر با خلق عالم

بازین پیشتر با خلق عالم

بازین پیشتر با خلق عالم

بازین پیشتر با خلق عالم

بازین پیشتر با خلق عالم

بازین پیشتر با خلق عالم

بازین پیشتر با خلق عالم

بازین پیشتر با خلق عالم

بازین پیشتر با خلق عالم

بازین پیشتر با خلق عالم

بازین پیشتر با خلق عالم

بازین پیشتر با خلق عالم

بازین پیشتر با خلق عالم

بازین پیشتر با خلق عالم

بازین پیشتر با خلق عالم

سخنی بگویند، با احترام، مبلغی می‌پرداختند. کمترین اش سکه بیست و پنج تومانی داده بودند. او گفت فقط یکی از کسبه محل که نجار بود، تا شنید برای هیئت علی اکبر علیه السلام می‌خواهم پول جمع کنیم، بی آنکه چیزی بگوید بیست هزار تومان کمک‌مان کرد.

آن‌ها سال گذشته توانسته بودند وسایل کامل صوتی برای هیئت‌شان خریداری کنند و دهه اول محرم، هر شب به سی نوجوان شام بدهند. آن‌ها مواد غذایی را تهیه کرده بودند و به نوبت مادر یکی از بچه‌ها، پخت شام مجلس آقا امام حسین علیه السلام را برعهده داشته است.

شیخ مرتضی انصاری در ایام جوانی منبرهایش حسابی گل می‌کند. در دهه اول محرم، هر روز چند مجلس منبر داشته است. یک روز با عجله از کوچه‌ای می‌گذرد. چند نوجوان که در کنار کوچه هیئتی برپا کرده‌اند از او درخواست می‌کنند تا برایشان روضه بخواند. اما شیخ مرتضی انصاری درخواست بچه‌ها را نمی‌پذیرد و می‌رود تا به منبرهایش برسد. شیخ مرتضی آن شب امام حسین علیه السلام را در خواب می‌بیند. حضرت به او می‌فرماید چرا برای آن هیئت بچه‌ها روضه نخواندی؟ مادرمان حضرت زهرا علیها السلام به مجلس آن‌ها آمده بود.

برخی می‌گویند مجالس روضه هیئت ما خاص است و حضرت به مجلس ما پا می‌گذارد. پاور داشته باشید و این عبارت را بپذیرید، زیرا خود اهل بیت: فرموده‌اند، هر جا مجلسی برای ما برپا شود، سری به آن مجلس خواهیم زد. درک این واقعیت بسیار اهمیت دارد و می‌تواند رنگ و بوی زیبایی به رفتارهای ما بدهد. می‌تواند سبب شود تا مجالس آقا اباعبدالله الحسین علیه السلام باشکوه‌تر برگزار شود.

وقتی می‌گوییم باشکوه، هر کس تصور خاصی به ذهن‌اش خطور می‌کند. اما قاطعانه می‌توان عنوان کرد صرف هزینه‌های چند صد میلیونی، پرداخت مبالغ گزاف برای مداحی، اسراف و ریخت و پاش‌های بی‌حساب، هرگز به چشم حضرت خوش نخواهد آمد. مگر آن که رضایت قلبی صاحب مجلس، چندان مدنظر نباشد و نیت دیگری دلیل این رفتارها باشد!

منابع در دفتر نشریه موجود می‌باشد

اگر نور عبادات خود را هر روز جمع کنید، ملکوت را خواهید دید». ما اعمال نیک خود را خیلی زود از دست می‌دهیم. اما عملی که به کیمیای اخلاص زینده باشد، پایدار خواهد بود. اما عملی که خوش آمدن مردم در آن مد نظر باشد، حاصل چندانی ندارد. بیهوده‌ترین کارها، ریاکاری است. خداوند در حدیثی قدسی، آب پاکی را بر دست ریاکاران ریخته است. اگر کسی این حدیث را بشنود و باز هم ریا، انگیزه اعمال نیکوکارانه‌اش باشد، جز خسران مال، حاصل دیگری را درو نخواهد کرد.

خداوند می‌فرماید: «کلید دل‌ها در دست من است. اعمال‌تان را برای من خالص کنید تا در دل‌های مردم جای گیرید». اگر عمل خالص شما کوچک هم باشد، خداوند آن را بزرگ خواهد کرد تا مردم آن را ببینند و محبت شما در دل‌ها جای گیرد. اما اگر کسانی اعمال نیک‌شان، به نیت خودنمایی باشد و بخواهند مردم آن‌ها را خیر بدانند، شکی نیست که خداوند اعمال بزرگ‌شان را کوچک خواهد کرد و هرگز دل‌نشین نخواهند بود. زیرا کلید دل‌ها در نزد خداوند است.

در ایام محرم، به هر محله‌ای که سر بزیند، هیئت نوجوانان محلات را می‌بینید. تعدادی نوجوان پرانرژی، در سرمای زمستان چادری نصب می‌کنند و هر شب خالصانه دور هم جمع می‌شوند و برای آقا اباعبدالله الحسین علیه السلام عزاداری می‌کنند. آن‌ها هر سال، یک ماه به محرم مانده است دست بکار می‌شوند. قبض چاپ می‌کنند تا با همیاری کسبه محل، کمک مالی جمع کنند.

سال گذشته شاهد اتفاقات عجیبی بودم. ماجراهایی که نمی‌شود آسوده از کنارش گذشت! یکی از بچه‌ها، از یک سال قبل، قلک بزرگی تهیه کرده بود. او تمام پول توجیبی سال قبل خود را در قلک انداخته بود. می‌گفت پارسال توی مدرسه، برای خرید تنقلات، همیشه جیم خالی بود. نزدیک به دویست هزار تومان پول قلک‌اش بود. آن‌ها از روزهایی که به سراغ کسبه محل رفته بودند برایم گفتند. گفتند که برخی از کسبه مسخره‌مان کردند. می‌گفتند حتما گرسنه‌اید و می‌خواهید پول ساندویچ‌تان را در بیاورید! بغضی در صدای بچه‌ها محسوس بود. من دیدم که قطرات درشت اشک بی‌اختیار از گوشه چشم آن نوجوان پاک فرو افتاد. بواقع دلش شکسته بود. دیگری ادامه داد و گفت، بعضی هم بدون آن که

